

شعله آه (قصه عاشقانه ملک محمد و شمس بانو) از منشی غیور دهلوی،  
لچهن سنگه، تصحیح و توضیح مسعود جعفری، انتشارات سخن، تهران  
۱۳۹۴، ۳۲۷ صفحه.

بهناز علی پور گسگری (استادیار دانشگاه پیام نور)

شعله آه نوشته دبیر و شاعر هندی الأصل، لچهن سنگه ملقب به «منشی غیور دهلوی» و «متخلص به غیوری»، اثری داستانی از نوع قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه است که در قرن دوازدهم هجری پدید آمده است. از دوره صفویه و قاجار، آثار متعددی از این نوع به جا مانده که هنوز بسیاری از آنها چاپ نشده‌اند یا چاپ منقحی از آنها در دست نیست. زبان فارسی چند قرن، تا پیش از سیطره زبان انگلیسی، زبان رسمی و زبان تحصیلکردگان هند بود و آثار مذهبی، سیاسی، ادبی، مکاتبات و اسناد دولتی، و احکام قضایی هند به این زبان نوشته می‌شد. در این قرون، زبان فارسی از حمایت شاهان و حکام ادب دوست برخوردار بود و آثار فارسی در حوزه‌های تاریخ، عرفان، ادبیات، دستور، تذکره، و ترسل به زبان‌های بومی هند ترجمه می‌شد. داستان‌نویسی نیز، در همین دوره، به تشویق دربار و دستگاه‌های دولتی هند، رونق درخور توجهی داشت. قصه‌های قدیم نقل و بازنویسی و ترجمه می‌شدند. نسخه‌های خطی موجود در هند یا انتقال یافته از هند حاوی آثار و منابعی ارزنده‌اند که شماری از آنها تصحیح و به‌گنجینه ادبیات ما افزوده شده‌اند. شعله آه نیز از جمله همین آثار است که با حمایت شاه عالم دوم

گورکانی (۱۱۷۳-۱۲۲۱) از زبان اردو به فارسی درآمده است. مندرجات کتاب مشتمل است بر سرآغاز به قلم مصحح؛ متن شامل دیباچه شعله آه؛ خاتمه به قلم منشی غیوری؛ ضمایم شامل تعلیقات، فرهنگ لغات و ترکیبات و تعبیرات، فهرست اشعار، فهرست نام‌ها، و فهرست منابع. سرآغاز شرح احوال و آثار منشی غیوری است که با استفاده از منابع موثّق از جمله تذکره مخزن الغرائب و تذکره روز روشن تهیه شده است. در دیباچه، شعله آه از جمله قصه‌هایی معرفی شده که در همان دوره پدید آمده‌اند و قهرمان مشترک دارند. همچنین، در آن، به تخلص نویسنده و سبب تألیف اثر به امر شاه عالم گورکانی اشاره رفته و گزارش شده که نگارش آن سه ماهه پایان یافته است. تصحیح اثر با مقابله سه نسخه خطی صورت گرفته که تصاویری از صفحات اول و آخر آنها پس از سرآغاز در کتاب درج شده است. مشخصات نسخه‌های خطی به شرح زیر است: ۱. نسخه مورخ ۱۱۹۸ محفوظ در کتابخانه بادلیان آکسفورد (مجموعه اوزلی ۱۶۷) که میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۰۲۶ موجود است. نسخه کامل است، به خط نستعلیق متأخر محمدعظیم کتابت شده و، به گزارش مصحح، در جاهایی ناخوانا یا حاوی خطاهای کتابتی است. ۲. نسخه فاقد تاریخ کتابت محفوظ به شماره ۸۴۸ در کتابخانه دیوان هند (ایندیا آفیس) بریتانیا که به خط نستعلیق هندی و، به حدس مبتنی بر قراین مصحح، به کتابت مؤلف است. زبان آن ساده‌تر و کم‌تکلف‌تر از نسخه بادلیان است اما از نظر برخی واژه‌ها و تعبیرها تفاوت چشمگیری با نسخه بادلیان ندارد. ۳. نسخه فاقد نام کاتب که، به سال ۱۲۶۲، با عنوان شعله آه، به اهتمام عبدالله و فرمایش مولوی مرادالله، به خط نستعلیق، در صد و دوازده صفحه، در شهر لکهنو، چاپ سنگی شده است. تصویر این چاپ سنگی در مجلس شورا محفوظ است و دو صفحه پایانی آن افتاده که مصحح آنها را از کتابخانه آیت الله مرعشی در قم به دست آورده است.

جعفری نسخه بادلیان را، که زبان ادیبانه‌تری دارد، اساس اختیار کرده و، از دو نسخه دیگر، اضافات از جمله اشعار را بر آن افزوده است. او، درباره تفاوت این سه نسخه می‌نویسد که منحصر به تعبیرهایی از مطلب واحد است آن هم نه چندان که ذکر همه

آنها لازم باشد و خواننده را از دنبال کردن جریان داستان دور سازد. در توضیحات مصحح، به روایت‌های مشابه این قصه در ادبیات عامیانه فارسی اشاره شده است. وی قصه امیرارسلان نامدار را شکل تکامل یافته این روایت‌ها بازشناخته است. به گزارش او، زبان قصه همچون زبان دیگر قصه‌های عامیانه عصر صفوی و عصر دوره قاجار آکنده از واژه‌ها، ترکیب‌ها، تعبیرها و تکیه کلام‌های بعضاً نامأنوس و برخی کلمات مهجور عربی است که از آشنائی نسبی مؤلف با آن زبان حکایت دارد.

پیرنگ قصه به پیرنگ قصه‌های عاشقانه عامیانه دیگر شباهت دارد و شامل رویدادها و جریان‌های آشناست. وقایع، در آن، بر اساس تصادف و تقدیر شکل می‌گیرد، گسترش می‌یابد و سرانجام به گره‌گشایی می‌رسد.

خلاصه قصه بدین شرح است که پادشاه باشوکتی از ایران که صاحب فرزند نمی‌شود، برای حل مشکل، به طبیبان حاذق متوسل می‌گردد. اما هیچیک از آنان نمی‌تواند گره‌گشا گردد. حکیمی رازآگاه از راه می‌رسد و شاه با تجویزهای او صاحب فرزند می‌شود و نام او را ملک محمد می‌گذارد. شاهزاده، در جوانی، در پی شکار آهو، با فرشته موکل ازدواج روبه‌رو می‌شود و فرشته در تقدیر او چنین می‌خواند که با دختر ساربان از دواج خواهد کرد که همان روز در کاروانسرای متولد شده است. ملک محمد، آشفته و نگران، نوزاد را می‌یابد و در گهواره زخمی می‌کند. نوزاد، به کمک جراحی، که تصادفاً در کاروانسرا حضور دارد، بهبود می‌یابد. دخترک («شمس بانو»)، که پدرش شاه ختا و مادرش دختر ساربان است، در سرزمین پدر پرورش می‌یابد و به هنرهای زمانه آراسته می‌شود. او، با کسب مهارت در نقاشی، تصاویری از چهره خود را بر پرده‌های نقاشی رقم می‌زند و به فروشندگان دوره‌گرد می‌دهد. پرده‌ها به دست سه شاهزاده از سه سرزمین می‌افتد که یکی از آنان ملک محمد است. او شیفته‌وار به جست‌وجوی دختر می‌شتابد و خبر می‌شود که مقدمات عروسی دختر با شاهزاده دیگری فراهم شده و در کشتی عازم سرزمین کشمیر است. ملک محمد خود را به کشتی می‌رساند. از قضا کشتی غرق می‌شود اما شمس بانو و ملک محمد نجات می‌یابند. دختر به اسارت شاهزاده سرزمین دریابار درمی‌آید و از غصه بیمار می‌شود. شاهزاده کشمیر، برای نجات دختر، به دریابار لشکر می‌کشد و شکست می‌خورد. ملک محمد، در کسوت

طیب ایرانی، خود را به قصر دریا بار می‌رساند و، سرانجام، پس از رویدادهای متعدّد، با شمس بانو ازدواج می‌کند و به اصفهان بازمی‌گردد.

خاتمه متن حاوی اطلاعاتی درباره ممدوح نویسنده است. او، ضمن ستایش صفات و کمالات شاه عالم گورکانی و نقل اشعارش و ذکر تسلط او بر موسیقی، از هنر نگارش خود نیز، که در سایه الطاف شاه هنر آشنا شکل گرفته، تمجید می‌کند.

به تشخیص مصحح، مهم‌ترین ویژگی سبکی در نثر منشی غیوری استفاده از واژه‌ها و تعبیرهای مهجور و افراط در کاربرد ترکیبات رایج یا نوساخته است. زبان نویسنده، جز در دیباچه و خاتمه، ساده و روان است هرچند استفاده از صیغه‌های وصفی طولانی و گاه تعقیدها و نارسائی‌های بیانی به این سادگی و روانی آسیب می‌رساند. نثر، در اساس، دچار اطناب و ترداد است و، با استفاده گسترده از تشبیه و استعاره، از زبان روایی و داستانی فاصله گرفته است. ملک‌الشعرا بهار نثر غیوری را، به خلاف نثر فضل‌فروشانه فارسی نویسان هند، ساده خوانده است.

غیوری، با گزینش ابیاتی متناسب با وقایع داستان، گزارش خود را ماهرانه با چاشنی شعر شیرین و دلنشین ساخته است. اغلب این اشعار از سراینندگان نامدار همعصر او همچون وحشی بافقی، محتشم کاشانی، صائب تبریزی، بابافغانی، و حزین لاهیجی‌اند. وی از اشعار شعرای گمنام عصر نیز فراوان بهره برده است. چند بیت از نظامی و فردوسی و خاقانی نیز در متن گنجانده شده است. غیوری خود تنها در یک مورد نام شاعر را ذکر کرده اما فقط، در چاپ سنگی هند، نام برخی از سراینندگان آمده است. ابیاتی سروده غیوری نیز با عبارت «لمؤلفه» مشخص گشته است. در چاپ جعفری، گویندگان اشعار حتی الامکان شناسایی شده‌اند.

جعفری، علاوه بر ذکر فواید ادبی و زبانی شعله آه، به مزایای جامعه شناختی آن اشاره دارد و، در این باب، از خلال حوادث کاملاً تخیلی و افسانه‌وار، نشانه‌هایی از آداب و رسوم و اعتقادات عامه مردم و طبقات ممتاز جامعه را همچون چکاندن قطرات شیر مادر بر آینه، آذین‌بندی و جشن و آتش‌بازی را سراغ می‌گیرد. وی همچنین به استفاده از سلاح جدید در نبردها توجه دارد.

بازگرداندن نسخه‌های خطی و احیای مکتوب آثار گذشتگان، چنانچه بر اصول و

موازين نقد و تصحيح مبتنی باشد، می‌تواند ما را در شناخت و ارزیابی دقیق‌تر پیشینه ادبی مان رهنمون شود. مصحح محترم موفق شده است اثر ارزشمندی را به مجموعه داستان‌های عامیانه فارسی بیفزاید.

